

نفس اقتصاد
را در دست بگیرید

بحار سوت

بحران بنزین در آمریکا

افزایش قیمت بنزین، به عامل نفرت سیاسی از دونالد ترامپ، در جامعه آمریکا تبدیل شده است

ذخایر بنزین در وضعیت بحرانی

بحران قیمت سوخت

۲۱۰

میلیون بشکه موجودی
فعلی بنزین در آمریکا

کمترین سطح از سال

۲۰۱۲

فقط ۲۰ میلیون بشکه فاصله
تا وضعیت بحرانی



بیش از ۴۲ میلیون بشکه
کاهش ذخایر نسبت به
ابتدای بحران



با بسته شدن مجدد تنگه هرمز، اقتصاد آمریکا علاوه بر افزایش شدید قیمت بنزین که پس از شروع جنگ نیز با آن مواجه شده بود، این بار با سقوط موجودی ذخایر بنزین به سطح بحرانی هم رسیده است | موجودی ذخایر بنزین ایالات متحده به پایین ترین سطح خود از سال ۲۰۱۲ رسید | ذخایر فعلی بنزین آمریکا با ۲۱۰ میلیون بشکه، تنها ۲۰ میلیون بشکه بالاتر از سطوح بحرانی است.

فشار اقتصادی بر مردم



افزایش هزینه حمل و نقل



رشد قیمت کالاها و تشدید تورم



فشار بیشتر بر خانوارهای کم درآمد

۱۴٪

پیش بینی رشد هزینه انرژی در
سال ۲۰۲۶ توسط گلدمن ساکس

پیامدهای سیاسی



- افزایش نارضایتی عمومی
- تبدیل قیمت بنزین به مهم ترین مسئله اقتصادی مردم
- تهدید سیاسی برای دولت ترامپ
- نگرانی از انتخابات میان دوره ای آمریکا



چرا بحران تشدید شده است؟

- کاهش تولید بنزین به نفع دیزل و سوخت جت
- افزایش صادرات سوخت آمریکا و کاهش عرضه داخلی
- آسیب و تعطیلی برخی پالایشگاه ها در آمریکا و جهان
- کاهش ظرفیت پالایش جهانی
- اختلال در عرضه نفت از خاورمیانه

آمارهای کلیدی



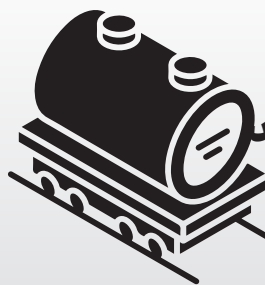
۲۰
میلیون بشکه
فاصله تا سطح بحرانی



۴۲
میلیون بشکه
کاهش ذخایر نسبت
به ابتدای بحران



۵۸٪
افزایش قیمت نفت برنت
از آغاز جنگ



افزایش صادرات
سوخت آمریکا و کاهش
عرضه داخلی

سوم آنکه، آیا تقلیل مسئولیت اطلاع رسانی به مدیر روابط عمومی یک شرکت خدماتی یا دبیر شورای هماهنگی بانک های دولتی، در واقع تلاشی برای سلب مسئولیت از سوی بانک مرکزی نبود؟ در میانه یک جنگ اقتصادی و سایبری، مردم نیاز دارند پاسخ را از سیاست گذار اصلی یعنی بانک مرکزی بشنوند، نه از مجریان.

با عبور از بحران اولیه، نگرانی های جدی پدیدار می شود. حال که کشور در یک جنگ اقتصادی تمام عیار قرار دارد، اگر دوباره حملاتی از این دست به زیرساخت های پرداخت کشور و بانک ها رخ دهد، آیا تدبیری برای جلوگیری از وقوع آن اندیشیده شده است؟ آیا وابستگی های پنهان به سخت افزارها و نرم افزارهای کرینکینگ خارجی، بر افزایش ریسک حملات دوباره به زیرساخت های فناوری بانکی نمی افزاید؟

امروز سوال این است که در این مدت، بخش انفورماتیک بانک مرکزی دقیقاً چه کرده است؟ توقع نداریم که به شفافیت بگوید چه کرده است، همین که اعلام کند چنین حوادثی دیگر تکرار نخواهد شد، برای مردم کافی است. اگر فردا دوباره سیستم های بانکی در اثر حملات سایبری قطع شوند، چه کسی مسئول و پاسخگو است؟ آیا شرکت ملی انفورماتیک به عنوان "راهبر" و بانک مرکزی به عنوان "ناظر و سیاست گذار اصلی"، پاسخی برای عدم تکرار این تراژدی دارند یا باز هم شاهد بازی "پنهان شدن در سایه" خواهیم بود؟ بزودی و در روزهای آینده در این زمینه بیشتر خواهیم نوشت.

از غبار این حوادث فاصله گرفته ایم، جا دارد تا نهاد مسئولی به برخی پرسش ها و نگرانی ها پاسخ دهد.

نخست آنکه، در حالی که طبق قانون و اساسنامه، بانک مرکزی مسئول مستقیم پایداری سیستم پرداخت کشور و تعیین استانداردهای تاب آوری در بانک هاست، چرا در روزهای بحران، شاهد غیبت این نهاد بودیم؟ چرا بانک مرکزی به جای ایفای نقش "مدیر بحران" و ارائه دستورالعمل های واحد برای بازیابی خدمات، سیاست سکوت را در پیش گرفت؟ این سکوت و ضعف شدید در شفاف سازی، نه تنها بر سردرگمی مردم افزود، بلکه باعث لطمه سنگین بر اعتماد عمومی نسبت به کارکرد نظام بانکی و شبکه پرداخت شد تا جایی که بخشی از مردم به سمت استفاده دوباره از اسکناس و تلاش برای ذخیره گیری پول فیزیکی رفتند.

دوم آنکه، جایگاه شرکت ملی انفورماتیک به عنوان بازوی فناوریانه و "مغز متفکر" بانک مرکزی در این میان کجا بود؟ وقتی زیرساخت های مشترکی چون شتاب و ساتنا دچار اختلال شدند، یعنی ضربه به هسته مرکزی پرداخت کشور وارد شده است. آیا این شرکت حاکمیتی، با متمرکز کردن بیش از حد زیرساخت ها، عملاً یک نقطه شکست واحد ایجاد نکرده است که باعث شد تا با یک ضربه، کل سیستم فلج شود؟ همچنین، باید پرسید آیا پنهان شدن شرکت ملی انفورماتیک به عنوان راهبر اصلی نظام پرداخت در پشت شرکت خدمات انفورماتیک به عنوان مجری، فرار از پاسخگویی نبود؟

شرکت ملی انفورماتیک در زمان حملات سایبری به بانک ها دقیقاً کجا بود؟ سکوت مقصران اختلالات بانکی

اختلال بزرگ بانکی کشور در جنگ اخیر موضوعی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت، اما با وجود شرایط جنگی کشور خواستیم تا در زمان آرام تری به این موضوع بپردازیم. حال که امروز از بحران اولیه جنگ خارج شده ایم، زمان مناسبی برای طرح برخی نگرانی ها و سوالات است. اگر امروز پرسیده شود که مدیریت بانک مرکزی، نحوه اطلاع رسانی و مسئولیت پذیری نهادهای حاکمیتی در مواجهه با اختلالات گسترده شبکه بانکی در جنگ اخیر چگونه بود، پاسخ کلمه "افتضاح" خواهد بود.

درست در روزهایی که دشمن در اسفندماه سال گذشته، علاوه بر بمباران شهرها، حملات سایبری هدفمندی را علیه زیرساخت های مالی کشور آغاز کرد، ما شاهد یک اتفاق ناخوشایند زنجیره ای در خدمات رسانی بانک ها بودیم. حملاتی که ابتدا از بانک های بزرگ دولتی شروع شد و در موج دوم حمله به بانک های دیگر رسید، سپس کل شبکه پرداخت کشور را اذیت کرد تا مردم برای مراودات مالی به زحمت بیفتند. امروز که





رهبر انقلاب:

مردم عراق در استقبال از قائد عظیم الشان شهید حماسه ای عظیم آفریدند

حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور پیامی از ملت عراق به پاس حماسه تشییع امام مجاهد شهید تقدیر کردند. متن این پیام به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

به محضر شریف مراجع عظام، علمای معزز و اساتید و فضلاء حوزات علمیه و دانشگاه‌ها، اندیشمندان و نخبگان گرانقدر، امرا و سران قبائل و شیوخ عشایر و سران طوائف و مردم بزرگوار و با محبت و جوانان غیرتمند و شریف سرزمین مظلوم عراق سلام و تحیت و تکریم و تقدیر و افرمی فرستیم. مردم مؤمن عراق که از نعمت عظیم همجسوارى و میزبانی آل الله صلوات الله وسلامه علیه‌م جمعین در اعتاب مقدسه برخوردارند، با سابقه‌ی درخشانی از فرهنگ و بهره‌مندی از پشتوانه‌ای معنوی و هدایت‌بخش چون حوزه‌ی نورانی و کهن نجف اشرف و عملکرد مجاهدانه در جبهه‌ی مقاومت، در استقبال از قائد عظیم‌الشأن شهید اعلی الله مقامه الشریف همچون ملت ایران حماسه‌ای عظیم و پرمعنا و آکنده از سوز و گداز آفریدند.

عراق، از آن روزی که قدوم مبارک مولایمان امیرالمؤمنین صلوات الله وسلامه علیه بر خاک آن قرار گرفت، سرزمینی مبارک شد و به‌زودی مردمانش با افتخار تمام، طوق محبت و ولایت آن حضرت و اولاد طاهرینشان صلوات الله وسلامه علیه‌م جمعین را بر گردن خود آویختند. دوران‌های تسلط چثاران و حکام ظالم براین سرزمین هیچگاه نتوانست

گوهر ناب ولایت و محبت به عنرت طیبه را از قلوب این مردم بزداید. از همین رو بعد از زوال حکومت بعثی، رویداد عظیم پیاده‌روی اربعین رخ داد و چون از عمق جان مردم با ایمان برمی‌آمد، روزبه‌روز گسترش یافت، و دقیقاً به همین جهت آنگاه که این مردم دیدند فرزند مظلوم و شهید امیرالمؤمنین و سیدالشهداء صلوات الله وسلامه علیه‌م بعد از سالها دوری ظاهری از اعتاب مقدسه، این بار با پیگری شبیه به حسین و مادرش و بردارش به طواف مرقد منوره می‌آید، با تمام وجود قدوم او را گرمی داشتند. از سویی دیگر این تشییع میلیونی و بی نظیر از علمدار مقاومت، جلوه‌ای تمام عیار از همدلی و واخوت و هم‌هرامی بین دو ملت عراق و ایران را نشان داد. بی‌تردید سران استکبار با دلاهی هراسان، تصاویر صحنه‌ها یا بشوکه‌ای این اجتماع عظیم در عراق را مشاهده کردند و دیدند که چگونه سرمایه‌گذارهای کاذبی که برای تحریب رابطی دو ملت به عمل آورده بودند پوچ و بی اثر از آب در آمد. این حضور چند ده میلیونی هم در ایران و هم در عراق آن هم به مناسبت تشییع و بدرقه‌ی امام مجاهد شهید اعلی الله مقامه الشریف، فصل جدیدی از دبیری و نقش آفرینی برای تغییر معادلات از پیش ساخته‌ی مستکبران را رقم زد. اینک شیطان بزرگ، امریکای جنایتکار فهمیده است که استمرار حضور بی‌دردسر و سلطه‌گرانه‌اش بر منطقه، خیالی خام بیش نیست. به زودی بار دیگر آتش کثودهی ملت کریم عراق و عشایر و طوائف خون گرم و با محبت آن به روی زائران مشتاق زیارت اربعین واز جمله انبوهی که به نیابت از آقای شهید ایران زیارت می‌کنند، با خاطره‌ی این تشییع شکوهمند و بزرگ‌مردی که بنیاد سالها آرزوی تشرف به اعتاب مقدسه را در دل می‌فروراند، درآمیخته و شعار پر از حقیقت خُب الحسین نجف‌نار را به رخ همگان خواهد کشید و ان شاء الله عدای سرورمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای امنیت و برکت و پیشرفت ملت عراق را در پی خواهد داشت؛ بقمّه و گرمّه. سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

فرمانده قرارگاه خاتم:**به هرگونه وحشی‌گری دشمن پاسخی ویرانگر می‌دهیم**

فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا تأکید کرد: هرگونه وحشی‌گری دشمن با پاسخ قاطع و ویرانگر نیروهای مسلح مواجه می‌گردد و هزینه‌هایی سنگین‌تر از جنگ تحمیلی دوم و سوم را بر آنان تحمیل خواهیم کرد. سرلشکر علی عبداللهی فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا در پیامی خطاب به دشمنان تأکید کرد: هرگونه طمع ورزی، زورگویی، نامامت‌خواهی و وحشی‌گری با پاسخ قاطع و ویرانگر رزمندگان مؤمن، شجاع و مقتدر در نیروهای مسلح مواجه می‌گردد و هزینه‌هایی سنگین‌تر از جنگ تحمیلی دوم و سوم را بر آنان تحمیل خواهیم نمود. متن پیام بدین شرح است: در امتداد راه پرفروغ قائد شهید امت و شهدای والا مقام ایران اسلامی و جبهه مقاومت، بار دیگر با رهبر حکیم و فرزانة انقلاب اسلامی و فرمانده معظم کل قوا حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای مظهره العالی عهد می‌بندیم که پیام صریح و نوناری معظم له در صیانت از آرمان‌های انقلاب، اتحاد مدس و انسجام ملی را در نیروهای مسلح نصب العین قرار دهیم و در تقویت هرچه بیشتر همدلی و وحدت و یکپارچگی بین نیروهای مسلح، مردم و مسئولان دلسوز در قوای سه‌گانه برای تضمین منافع ملت ایران و دفاع از حقوق مردم و امنیت ملی، همه توان و ظرفیت خود را به کار گیریم. با تبعیت از فرامین و تدابیر زعم عالی قدر و فرمانده عزیزتر از جانمان به شیطان بزرگ و دشمن جنایتکار، عهدشکن و حیلہ‌گر آمریکایی نیز یادآور می‌شویم هرگونه طمع ورزی، زورگویی، نامامت‌خواهی و وحشی‌گری با پاسخ قاطع و ویرانگر رزمندگان مؤمن، شجاع و مقتدر در نیروهای مسلح مواجه می‌گردد و هزینه‌هایی سنگین‌تر از جنگ تحمیلی دوم و سوم را بر آنان تحمیل خواهیم نمود.

اقتدار دفاعی کشور عزیزمان از یک سو پشتوانه محکمی برای آرامش و امنیت ملت غیرتمند و شجاع از جنوب تا شمال و از شرق تا غرب سرزمین سرفراز و پهناور ایران و از سوی دیگر بستری برای خدمتگزاری و فعالیت مسئولان خدم کشور برای رفاه و سعادت مردم شرافتمند است. اردوگاه دشمن به دنبال شکست‌های پی‌درپی در جنگ نظامی به ایجاد شکاف و تفرقه بین مردم و مسئولان دل خوش کرده است چرا که هزیمت شیطان بزرگ، امریکای جنایتکار در گرو انسجام درونی می‌باشد و مقابله جدی با این دسیسه شیطانی برای ناامید کردن دشمن بر همگان امری ضروری و لازم است. به یاری خداوند متعال عنایت حضرت ولی عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف و با هدایت رهبر عزیزمان از انسجام برخاسته از رستخیزی سابقه و تاریخ‌ساز و نصاب ملت مبعوث شده در بدرقه امام شهید امت و آزادگان جهان با همه توان و ظرفیت صیانت خواهیم نمود.



بحران بنزین در آمریکا

■ **افزایش قیمت بنزین، به عامل نفرت سیاسی از دونالد ترامپ، در جامعه آمریکا تبدیل شده است** ■ **موجودی ذخایر بنزین ایالات متحده به پایین‌ترین سطح خود از سال ۲۰۱۲ رسیده است** ■ **ذخایر فعلی بنزین آمریکا با ۲۱۰ میلیون بشکه، تنها ۲۰ میلیون بشکه بالاتر از سطوح بحرانی است**

قیمت بنزین در آمریکا با افزایش تنش‌های آمریکا و ایران

بر سرر تنگه هرمز دوباره افزایش یافته و موجب نگرانی مردم آمریکا شده است.

قیمت بنزینس از جمله بارزترین شاخص‌های تورمی برای مصرف‌کنندگان آمریکایی است و این افزایش قیمت را به یک نفرت سیاسی برای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، تبدیل کرده است. نشریه گاردین در این باره نوشته است: گازوئیل از ۵ دلار در هر گالن گذشت در حالی که بنزین معمولی تقریباً به ۴ دلار رسید.

میانگین قیمت سوخت گازوئیل در آمریکا دوباره به بیش از ۵ دلار در هر گالن افزایش یافته است و میانگین قیمت بنزین تقریباً ۴ دلار است و به بالاترین قیمت خود قبل از تقاهم‌نامه ژوئن بین آمریکا و ایران بازگشته است. یک سال پیش در چنین روزی، میانگین قیمت یک گالن گازوئیل ۳.۷۲ دلار بود که تقریباً ۱،۲۵ دلار کمتر از قیمت فعلی است.

افزایش قیمت گازوئیل منجر به افزایش هزینه‌ها در همه زمینه‌ها می‌شود و همه چیز از طریق کامیون‌های گازوئیل‌سوز به مصرف‌کننده خرده‌فروش می‌رسد.

افزایش شدید فشار تورمی برای افشار کم‌درآمد آمریکا

تحلیلگران گلدمن ساکس انتظار دارند که هزینه‌های انرژی در ایالات متحده در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۴ درصد رشد کند.

بانی هرزوغ، رئیس مشترک تحقیقات مصرف‌کنندگان ایالات متحده در گلدمن ساکس، خاطرنشان می‌کند: «قیمت‌های بالاتر بنزین به طور نامتناسبی بر افشار کم‌درآمد فشار خواهد آورد، که تقریباً چهار برابر بیشتر از افشار با درآمد بالا، برای بنزین هزینه می‌کنند.» به طور کلی، مصرف‌کنندگانی می‌توانند انتظار داشته باشند که قیمت بنزین به دلیل درگیری در خاورمیانه در سال جاری بالا بماند.

ریسک کمبود بنزین در آمریکا

بر اساس گزارش روتیتز، حاشیه سود پالایشگاه‌های ایالات متحده روز پنجشنبه برای سومین جلسه متوالی رکورد جدیدی را ثبت کرد، زیرا ذخایر کم و تشدید تنش‌ها در خاورمیانه، کمبود احتمالی عرضه در بزرگترین کشور مصرف‌کننده سوخت جهان را تهدید می‌کند.

که قیمت‌ها در ماه مه به دلیل اختلال در صادرات نفت خاورمیانه ناشی از مسدود شدن تنگه هرمز، به ۴.۵۶ دلار در هر گالن رسیده بود.

قیمت بنزین از جمله بارزترین شاخص‌های تورمی برای مصرف‌کنندگان آمریکایی است و این افزایش قیمت را به یک نفرت سیاسی برای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، تبدیل کرده است. او شرکت‌های نفتی را بدون ارائه مدرک به افزایش قیمت متهم کرده است.

تحلیلگران می‌گویند که ممکن است قبل از اینکه پالایشگاه‌ها توجه خود را به بنزین معطوف کنند، درد و رنج بیشتری برای رانندگان آمریکایی در انتظار باشد. جان کمپ، تحلیلگر مستقل نفت مستقر در لندن، نوشت: «تشویق پالایشگاه‌ها به بازگشت به حالت حاکم‌کننده تولید بنزین، مستلزم افزایش قیمت بنزین در سطح خرده‌فروشی و عمده‌فروشی و همچنین افزایش حاشیه سود نسبت به سایر سوخت‌ها خواهد بود.»

ذخایر بحرانی بنزین و گازوئیل

داده‌های اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده نشان داد که ذخایر گازوئیل ایالات متحده هفته گذشته ۲۰.۵ میلیون بشکه افزایش یافت و به بیش از ۱۰۲ میلیون بشکه رسید، اما همچنان نزدیک به ۱۱ میلیون بشکه کمتر از سطح ثبت شده در ۲۷ فوریه و حدود ۸ میلیون بشکه کمتر از میانگین فصلی پنج ساله است. در همین حال، ذخایر بنزین به نگرانی فزاینده‌ای تبدیل شده است، زیرا پالایشگاه‌های آمریکایی و جهانی تولید سوخت موتور را به نفع بازده بالاتر دیزل و سوخت جت کاهش داده‌اند. عدم تعادل عرضه و تقاضا، ذخایر بنزین ایالات متحده را از زمان شروع جنگ ایران در پایان فوریه، به شدت کمتر از دیزل کاهش داده و رانندگان آمریکایی را با شوک‌های شدیدی مواجه کرده است. EIA نشان می‌دهد که داده‌های مرکز اطلاعات انرژی آمریکا GasBuddy نشان می‌دهد که ذخایر سوخت خودرو در ایالات

خاطر سیاسی بزرگ برای دونالد ترامپ

با نزدیک شدن به اوج فصل رانندگی تابستانی در آمریکا، افزایش کمپ، تحلیلگر مستقل نفت مستقر در لندن، نوشت: «تشویق پالایشگاه‌ها به بازگشت به حالت حاکم‌کننده تولید بنزین، مستلزم افزایش قیمت بنزین در سطح خرده‌فروشی و عمده‌فروشی و همچنین افزایش حاشیه سود نسبت به سایر سوخت‌ها خواهد بود.»

خطر سیاسی بزرگ برای دونالد ترامپ

با نزدیک شدن به اوج فصل رانندگی تابستانی در آمریکا، افزایش قیمت بنزین، یک خطر سیاسی بزرگ برای دونالد ترامپ و حزب جمهوری خواه او در حالی که برای انتخابات میان‌دوره‌ای در ماه نوامبر مبارزه می‌کنند، محسوب می‌شود. تحلیلگران می‌گویند بدون کاهش تنش در خاورمیانه، قیمت سوخت خودرو در ایالات متحده می‌تواند از رکوردهای قبلی فراتر رود.

قیمت بنزین به دلیل ترس از اختلال طولانی مدت در خلیج فارس، همراه با افزایش قیمت نفت خام افزایش یافته است. شاخص جهانی نفت خام برنت از زمان آغاز جنگ ۵۸ درصد افزایش یافته است. پاتریک دی هان، تحلیلگر GasBuddy، گفت: «بسته شدن تنگه هرمز همچنان به آرامی قیمت نفت و بنزین را افزایش می‌دهد، اما ما همچنین شاهد مشکلات پالایشی بوده‌ایم که برخی از این افزایش‌ها را تشدید کرده است.»

هفته گذشته، پالایشگاه نفت ۴۴۰ هزار بشکه‌ای BP در وایتینگ، اندیزیا، دچار قطعی برق کوتاهی شد که باعث تعطیلی یکی از



واحد‌های فرآوری آن شد. این شرکت اعلام کرد که عملیات از آن زمان دوباره آغاز شده است. دی هان گفت: «اگر تنگه هرمز باز نشود، انتظار دارم قیمت بنزین در تابستان اسمال احتمالاً بالای ۴.۵۰ دلار در هر گالن باقی بماند.»

قبل از حمله ایالات متحده و اسرائیل به ایران در ۲۸ فوریه، حدود ۲۰ درصد از عرضه جهانی نفت روزانه از این تنگه عبور می‌کرد. مورگان استنلی اعلام کرد که موجودی بنزین ایالات متحده سریع‌تر از الگوی فصلی معمول در حال کاهش است. پیش‌بینی اولیه این موسسه نشان می‌دهد که موجودی‌ها تا اواخر آگوست به زیر ۲۰۰ میلیون بشکه، نزدیک به پایین‌ترین حد تاریخی تابستان، سقوط خواهند کرد. داده‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان می‌دهد که موجودی بنزین ایالات متحده هفته گذشته بیش از ۶ میلیون بشکه کاهش یافت و تا ۲۴ آوریل به ۲۲۲.۳ میلیون بشکه رسید که پایین‌ترین سطح از دسامبر و بیش از ۲ میلیون بشکه کمتر از میانگین فصلی پنج ساله است. داده‌ها نشان می‌دهد که تقاضای بنزین به طور متوسط چهار هفته‌ای به ۸.۹۵ میلیون بشکه رسید که ۱ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش داشته است.

مورگان استنلی افزود که تقاضا با وجود قیمت‌های بالای ۴ دلار در بمب‌بنزین‌ها، همچنان بالا مانده است. «این عامل، کاهش موجودی را هدایت نمی‌کند، اما به اندازه کافی هم ضعیف نیست که کاهش موجودی ناشی از عرضه را کند کند.»

معاملات آتی بنزین در ایالات متحده روز سه‌شنبه حدود ۳.۶۴ دلار در هر گالن معامله شده که در بالاترین سطح خود از سال ۲۰۲۲ قرار دارد.

سی.ان.ان هم در این باره نوشته است: پس از یک دوره کوتاه استراحت، قیمت بنزین دوباره در آمریکا افزایش یافته است. افزایش قیمت سوخت دیگر فقط داستانی در مورد افزایش قیمت نفت نیست. قیمت بنزین و گازوئیل زندگی مستقیم خود را پیدا کرده‌اند و از هر آنچه در تنگه هرمز و توانایی آمریکا برای گرفتن امتیاز از ایران می‌گذرد، جدا شده‌اند.

در سه هفته‌ای که تنگه هرمز حداقل تا حدی باز بود، شرکت‌های نفتی موفق شدند بیش از ۲۰۰ میلیون بشکه نفت خام از خلیج فارس خارج کنند و قیمت نفت را برای مدت کوتاهی به پایین‌تر از سطح قبل از جنگ رساندند. قیمت بنزین و گازوئیل نیز کاهش یافت-اما به هیچ وجه به جایی که قبل از جنگ بودند، نزدیک نشد.

پس از فروپاشی تقاهم‌نامه بین ایران و ایالات متحده در هفته گذشته، قیمت نفت افزایش یافت و پس از نوسان در محدوده پایین ۷۰ دلار در چند هفته گذشته، به بالای ۸۵ دلار در هر بشکه رسید. این افزایش برای قیمت بنزین بسیار مهم است زیرا نفت خام بخش عمده‌ای از هزینه بنزین را تشکیل می‌دهد.

اما قیمت نفت اکنون از آغاز جنگ ۱۶ درصد افزایش یافته است، در حالی که بنزین و گازوئیل هر دو بیش از ۳۲ درصد افزایش یافته‌اند-و برابر سود بازار نفت. این عدم تعادل

بزرگ ارتباط کمی با پویایی بازار و تجارت دارد-و ارتباط زیادی با ویژگی‌های پالایش نفت دارد.

مهم نیست که در بخشات کوتاه‌مدت نسبی چقدر نفت از تنگه خارج شد باشد، آن نفت خام به جایی برای تبدیل شدن به چیزی مفید نیاز داشت. پالایشگاه‌ها، که از قبل برنامه‌های ماه جولای خود را هنگام امضای تقاهم‌نامه تعطیل کرده بودند، نمی‌توانند با یک چرخش ناگهانی ظرفیت خود را افزایش یا کاهش دهند. ظرفیت پالایشگاه‌های جهان در طول جنگ به شدت کاهش یافت: ایران ۳۰ پالایشگاه خاورمیانه، آلاسکا و کانادایی دارد. این امر مانع از بهبود قابل توجه پس از اجرایی شدن تقاهم‌نامه شد. به گفته ناتاشا کانوا، اقتصاددان ارشد کالا در ج.پی.مورگان، تولید جهانی پالایشگاه‌ها در اوج اختلال تنگه هرمز ۳ میلیون بشکه کاهش یافت و ۲۱۰ میلیون بشکه از ظرفیت پالایش همچنان غیرفعال است.

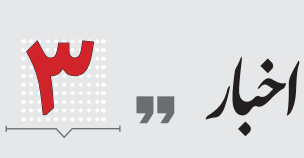
در همین حال، در بخش کاملاً متفاوتی از جهان، ظرفیت پالایشگاه‌ها نیز (به معنای واقعی کلمه) به شدت آسیب دیده است. اوکراین به بسیاری از پالایشگاه‌های روسیه با حملات پهپادی آسیب رسانده است، به طوری که دومین صادرکننده بزرگ دیزل جهان صادرات سوخت را متوقف کرده و ناگهان به یک واردکننده خالص تبدیل شده است که هزینه کمبود جهانی دیزل شده است.

مشکل گاز تولیدی آمریکا

ایالات متحده دقیقاً مشکل متضادی دارد: پالایشگاه‌های آن ماه گذشته با ۹۶ درصد ظرفیت خود کار کرده‌اند. پالایشگاه‌های ایالات متحده بیشترین میزان نفت خام خود را در سه ماهه دوم از سال ۲۰۱۹ فرآوری کرده‌اند. اما مقدار بی‌سابقه‌ای از سوخت تولید شده در آمریکا به خارج از کشور می‌رود-به شکل سوخت جت (برای پرواز) و گازوئیل (برای آسیا و استرالیا) تا به جهان کمک کند تا شفاف موجود در منابع سوخت را پر کند.

این امر باعث شده است که موجودی بنزین ایالات متحده به پایین‌ترین سطح خود از سال ۲۰۱۲ برسد. به گفته اندی لیپو، رئیس موسسه Lipow Oil Associates، ۲۱۰ میلیون بشکه، موجودی‌ها تنها ۲۰ میلیون بشکه بالاتر از سطوح بحرانی هستند. موجودی‌ها کمی بیش از ۳۰ میلیون بشکه بالاتر از پایین‌ترین سطح خود در طول طوفان کاترینا هستند، جایی که پمپ بنزین‌های سراسر ایالات متحده با کمبود گاز مواجه شدند. سهم سوخت ایالات متحده برای بازار آمریکا اکنون در حال کاهش است، در حالی که تقاضای گاز برای سفرهای تابستانی روه به افزایش است و تقاضای گازوئیل با شروع برداشت پاییزی و کشاورزان آمریکایی در آستانه اوج گرفتن است. عرضه کم و تقاضای بالا، عامل افزایش قیمت‌ها هستند.

این امر باعث شده است که شفاف قیمت نفت - حاشیه سود پالایشگاه‌های ایالات متحده - به بالاترین حد خود برسد. طبق گزارش اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده، شفاف قیمت نفت در پالایشگاه‌های ایالات متحده نسبت به سال گذشته ۶۰ درصد افزایش یافته و شفاف قیمت نفت دیزل و سوخت جت بیش از دو برابر سطح سال ۲۰۲۵ است. اما گرمای شدید تابستان اسما می‌تواند مشکل بزرگ‌تری ایجاد کند: پالایشگاه‌ها برای عملکرد کارآمد به دمای خنک نیاز دارند. آن‌ها باید نفت را به اجزای مختلف آن جوشانند و آن را خنک کنند تا بنزین، دیزل، سوخت جت و سایر محصولات را تولید کنند. اگر دما خیلی بالا باشد، پالایشگاه‌ها برای انجام کار خود با مشکل مواجه می‌شوند-و نمی‌توانند به اندازه کافی گاز تولید کنند.



ایهام حساب‌شده یا فقدان راهبرد؟

نامشخص بودن اقدام بعدی می‌تواند بخشی از روش مذاکره باشد. تهدیدهای متنوع ممکن است ایران را وادار کند برای سناریوهای مختلف آماده شود و هزینه بیشتری بپردازد.
باین حال، ابهام راهبردی زمانی معنا دارد که دولت درباره هدف نهایی، خطوط قرمز و شرایط پایان تقابل به جمع‌بندی رسیده باشد و فقط ابزار را زمان اجرای برنامه خود را پنهان کند.

در رفتار دولت آمریکا نشانه چنین انسجامی دیده نمی‌شود. هنوز معلوم نیست هدف اصلی واشنگتن بازگشایی هرمز، تغییر شرایط برنامه هسته‌ای، محدودکردن توان موشکی، تغییررفتار منطقه‌ای ایران یا تضعیف ساختار سیاسی کشور است.
هریک از این اهداف به ابزار، زمان و توافق متفاوتی نیاز دارد.

سرعت تغییرمواضع نیزاین آشفتگی را تشدید کرده‌است. اعلام نزدیک‌بودن توافق، تهدید به حمله، توقف عملیات، امضای تفاهم، منته‌کردن ایران به نقض آن و بازگشت به جنگ، گاه‌در فاصله چند روز رخ داده‌است. حتی پیشنهادهای مطرح‌شده درباره هرمز نیز به سرعت تغییر کرده‌اند؛ از دریافت هزینه عبور کشتی‌ها تا جایگزین کردن آن با سرمایه‌گذاری کشورهای خلیج فارس.

این تغییرات مکرر فقط ایران را نامطمئن نمی‌کند؛ متحدهان آمریکا، ارتش این کشور، شرکت‌های کشتیرانی و بازارهای جهانی نیز نمی‌دانند کدام موضع ترامپ به سیاست پایدار تبدیل خواهد شد.

پیروزی تاکتیکی بدون هدف سیاسی

آمریکا و اسرائیل خسارت گسترده‌ای به توان نظامی و زیرساخت دفاعی ایران وارد کرده‌اند، اما این دستاورد هاهنوز به پذیرش خواسته‌های واشنگتن از سوی تهران منجر نشده‌است.
ایران نیز با وجود خسارت‌های نظامی، توان موشکی و پیهپادی خود را حفظ کرده و اهرم بیشتری در تنگه هرمز به دست آورده‌است. منتقدان دولت ترامپ این وضعیت را مجموعه‌ای از پیروزی‌های تاکتیکی در کنار بن‌پست راهبردی توصیف می‌کنند.

مشکل اصلی، کمبود گزینه نظامی نیست. حملات اخیر گزینه‌های بیشتری برای ترامپ فراهم کرده و امکان تشدید جنگ را افزایش داده‌است.
خلأ واقعی در بخش سیاسی قرار دارد: دولت‌آمریکا هنوز مشخص نکرده‌است کدام نتیجه را پیروزی می‌داند، برای رسیدن به آن حاضر است چه هزینه‌ای بپردازد و برای پایان جنگ چه امتیازی می‌تواند به ایران بدهد.

در چنین شرایطی، مذاکره و حمله به‌جای آنکه اجزای یک راهبرد واحد باشند، به گزینه‌های رقیب تبدیل شده‌اند.
هرگاه مذاکره به نتیجه فوری نمی‌رسد، جریان حامی تشدید دست بالا پایدی می‌کند و هرگاه هزینه جنگ افزایش یابد، دواپاره‌سخن از توافق به میان می‌آید. رفتار دولت ترامپ تاکنون بیشتر از آنکه نشان‌دهنده اجرای یک برنامه منطع باشد، حاصل اختلاف درونسی و تصمیم‌های کوتاه‌مدت بوده‌است. تا زمانی‌که واشنگتن هدف سیاسی روشن و مسیر مشخصی برای رسیدن به آن تعیین نکند، افزایش حملات ممکن است قدرت تخریب آمریکا را نشان دهد، اما راهی برای پایان پایدار تقابل با ایران ایجاد نخواهد کرد.

سیاست دولت آمریکادر قبال ایران طی ماه‌های اخیر

میان مذاکره، آتش‌بس، تهدید و حمله دررفت و آمد

بوده‌است، واشنگتن در مقاطعی از نزدیک‌بودن

توافق سخن گفته، اجرای حملات برنامه‌ریزی شده‌را متوقف کرده و حتی تفاهمی

برای پایان جنگ و بازگشایی تنگه هرمز امضا کرده‌است؛ اما هر بار مدت کوتاهی بعد، دوباره به تهدید و عملیات

نظامی بازگشته‌است



دولت آمریکا میان جنگ و مذاکره راهبرد مشخصی ندارد

گزارش

سیدعلی موسوی

دولت آمریکا هم‌زمان از آمادگی برای مذاکره، افزایش فشار برای رسیدن به توافق و فراهم کردن مقدمات عملیات نظامی گسترده‌تر سخن می‌گوید. درحالی‌که بخشی از دولت ترامپ تشدید حملات را دنبال می‌کند، گروهی دیگر تهدید نظامی را از ابزاری برای بازگرداندن ایران به مذاکرات می‌دانند و خود ترامپ نیز هنوز میان این گزینه‌ها تصمیم قطعی نگرفته‌است. تغییر سریع مواضع واشنگتن، اعلام توافقی‌های قریب‌الوقوع، بازگشت دوباره به حمله و طرح گزینه‌های تازه نظامی نشان می‌دهد آمریکا درباره هدف نهایی، مسیردستیابی به آن و شرایط پایان جنگ برنامه‌ای روشن و مورد توافق ندارد. سیاست دولت آمریکا در قبال ایران طی ماه‌های اخیر میان مذاکره، آتش‌بس، تهدید و حمله در رفت‌وآمد بوده‌است. واشنگتن در مقطعی از نزدیک‌بودن توافق سخن گفته، اجرای حملات برنامه‌ریزی‌شده را متوقف کرده و حتی تفاهمی برای پایان جنگ و بازگشایی تنگه هرمز امضا کرده‌است؛ اما هر بار مدت کوتاهی بعد، دوباره به تهدید و عملیات نظامی بازگشته‌است. این تغییرات رانی توان بخشی از یک روش حساب‌شده برای افزایش فشار در مذاکرات دانست. گزارش‌های منتشرشده نشان می‌دهد در درون دولت آمریکا نیز درباره هدف نهایی تقابل با ایران و بهترین مسیردستیابی به آن اختلاف وجود دارد. برخی مقام‌ها به دنبال تشدید جنگ هستند، برخی حملات را وسیله‌ای برای گرفتن امتیاز به مذاکرات می‌دانند و ترامپ می‌کوشد بدون انتخاب قطعی، همه گزینه‌ها را هم‌زمان باز نگه دارد.

برای امنیت اقتصادی ایران نسخه ۳۰ سال قبل نیچید

توسعه تجارت یکی از پایه‌های امنیت ملی است، اما تنها زمانی امنیت‌ساز خواهد بود که از موضع قدرت و در چارچوب روابط متقابل و متوازن شکل بگیرد. در نظم جدید جهانی، اقتصاد، فناوری، انرژی و زنجیره‌های تأمین به ابزار رقابت و فشار تبدیل شده‌اند و دیگر نمی‌توان با نسخه‌های سه دهه قبل، امنیت را نتیجه طبیعی گسترش روابط اقتصادی دانست. آمریکای دهه‌های اخیر بزرگ‌ترین مانع توسعه تجارت خارجی ایران بوده و تلاش‌های تهران برای کاهش تخصص نیزتبعیری پایدار در این سیاست ایجاد نکرده‌است. توصیه‌هایی که از تصویریک دگانه ساده «تخاصم» یا «تعامل» برمی‌آید و تحولات نظم حاکم بر جهان را نادیده می‌گیرد، با واقعیت‌های اقتصاد ایران سازگاری ندارد. خطای ایران بیش از آنکه کم‌کاری در عادی‌سازی روابط با غرب باشد، غفلت از توسعه روابط با کشورهای خواهان تجارت در منطقه، آسیا و قاره‌آفریقا بوده‌است. امنیت و اقتصاد رابطه‌ای دسویه دارند و امنیت اقتصادی ایران به ترکیب قدرت بازآرندگی، انسجام داخلی، تولید قدرتمند، تنوع شرکای تجاری و ایجاد مسیرهای مستقل مالی و حمل‌ونقلی نیاز دارد. توسعه تجارت، سرمایه‌گذاری مشترک و اتصال شبکه‌های حمل‌ونقل و انرژی می‌تواند هزینه درگیری میان کشورها را افزایش دهد. کشوری که در زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای و جهانی جایگاه مهمی دارد، در مقایسه با کشوری منزوی از ابزارهای بیشتری برای دفاع از منافع خود برخوردار است. ایران نیز در استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی و جغرافیایی خود برای ایجاد پیوندهای پایدار با دیگر کشورهای منطقه‌ای جدی داشته‌است. اما از این واقعیت نمی‌توان نتیجه گرفت که هرچه روابط اقتصادی با قدرت‌های بزرگ گسترده‌تر شود، امنیت نیز به‌طور خودکار افزایش می‌یابد. این برداشت بر تجربه‌ای محدود از سه دهه گذشته استوار است و شرایط امروز جهان، سابقه روابط ایران با غرب و ماهیت رقابت قدرت‌ها را نادیده می‌گیرد.

جهان از دهه ۱۹۹۰ عبور کرده‌است

در دهه‌های پایانی قرن بیستم، این تصور گسترش یافت که افزایش تجارت و وابستگی متقابل اقتصادی، کشورها را به همکاری وادار می‌کند و به تدریج رقابت‌های سیاسی و امنیتی را به حاشیه می‌راند. بر اساس این نگاه، کشورها باید تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری خود را عمدتاً بر پایه مزیت اقتصادی سامان دهند و امنیت را نتیجه طبیعی گسترش روابط اقتصادی بدانند. جهان امروز فاصله زیادی با آن دوره گرفته‌است. امنیت اقتصادی، کنترل زنجیره‌های تأمین، دسترسی به فناوری، انرژی، مواد اولیه، شبکه‌های مالی و مسیرهای حمل‌ونقل به بخش اصلی رقابت قدرت‌ها تبدیل شده‌است. کشورها در انتخاب شرکای تجاری فقط قیمت و بازده اقتصادی را معیار قرار نمی‌دهند؛ میزان اعتماد سیاسی، همسویی راهبردی و خطر تبدیل وابستگی به ابزار فشار نیز اهمیت دارد. آمریکا که محور اصلی نظم تجاری پیشین بود،



۵ بندر کلیدی منطقه در تیررس ایران

حمله سوم آمریکا به برج مراقبت چابهار، تنها بندر اقیانوسی ایران، جنگ کریدورها را به سواحل مکران گشاند. در پاسخ، فهرست بنادر استراتژیک جبل علی، مینا سلمان و ینبع در تیررس نیروهای مسلح ایران قرار گرفته تا معادله «هر زیرساخت در برابر زیرساخت» را در منطقه رقم بزنند.

چابهار نقطه اتصال ایران به اقیانوس هند و گره کریدورهای شرقی

برج مراقبت چابهار صرفاً یک سازه نیست؛ این مرکز، یکی از گره‌های حیاتی مدیریت تردد دریایی در تنها بندر اقیانوسی ایران محسوب می‌شود. این بندر نقطه پایدانی کریدورهای ترانزیتی شرق کشور، شامل مسیرهای منتهی به افغانستان، آسیای مرکزی و کریدورهای بین‌المللی حمل‌ونقل است. اختلال در آن، می‌تواند نقش ایران را در این مسیرهای تجاری با چالش مواجه کند. از منظر نظامی و لجستیکی، هدف‌گذاری برج مراقبت چابهار می‌تواند پنج انگیزه راهبردی داشته باشد: اختلال در مدیریت ترافیک دریایی، فشار بر کریدور شرقی ایران، کاهش ظرفیت جایگزین بندرعباس در صورت تداوم حملات به هرمزگان، پیام‌رسانی راهبردی برای تضعیف سیاست توسعه سواحل مکران، و تأثیر روانی و اقتصادی بر افزایش ریسک حمل‌ونقل و هزینه‌های بیمه. حملات هم‌زمان به پل‌های هرمزگان، رآه‌آهن بندرعباس و برج چابهار، نشان‌دهنده یک استراتژی هماهنگ برای کاهش ظرفیت لجستیکی ایران و محدود کردن نقش این کشور در کریدورهای منطقه‌ای در کنار تضعیف مدیریت ایران بر راهبردی‌ترین تنگه دنیا است.

فهرست بنادر استراتژیک در تیررس ایران

حمله به زیرساخت غیرنظامی چابهار، معادله را تغییر داده‌است. تحلیل‌گران معتقدند که این اقدام یک اشتباه راهبردی از سوی آمریکا بود؛ چراکه فهرستی از بنادر تجاری حیاتی میزبان منافع آمریکا در منطقه را در اختیار تهران قرار داد. در پاسخ، نیروهای مسلح ایران می‌توانند شبکه‌ای از بنادر کلیدی را هدف قرار دهند:

بندر جبل علی (امارات): بزرگ‌ترین هاب کانتنری غرب آسیا با ظرفیت ۱۹ میلیون TEU و پرترددترین بندر خارجی برای نیروی دریایی آمریکا که سالانه میزان بیش از ۲۰۰ یازده ناوهای جنگی است. بندر مینا سلمان (بحرین): مقر اصلی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا و مرکز فرماندهی، کنترل و هماهنگی با متحدهان منطقه‌ای.

بندر الشیبیه و کمپ عریفجان (کویت): ستاد پیشروی ارتش مرکزی آمریکا و گره لجستیکی زمینی با انبارهای تجهیزات از پیش موضع‌گیری کرده. بندر حمد (قطر): دروازه دریایی بزرگ‌ترین پایگاه هوایی آمریکا در غرب آسیا (العبید) و مرکز پشتیبانی لجستیکی.

بندر صنعتی ملک فهد در ینبع (عربستان): یکی از سایت‌های لجستیکی کلیدی برای انتقال نیرو و تجهیزات توسط فرماندهی مرکزی آمریکا.



ارائه گزارش جامع حوزه انرژی به پزشکیان
رئیس جمهوری با اشاره به موفقیت وزارت نفت در ایجاد شبکه‌های ارتباطی و سامانه‌های مدیریتی یکپارچه در حوزه نفت و گاز گفت: تطبیق با استانداردهای جهانی، آموزش فناوری‌های تازه و توسعه سامانه‌های چند جانبه و مؤثر، از اولویت‌های وزارت نفت در ارتقای عملکرد مهندسان و متخصصان است. به گزارش رسانه‌های نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، مسعود پزشکیان روز یکشنبه، ۲۸ تیر در ادامه پایش‌های میدانی دولت، با حضور در ساختمان مرکزی وزارت نفت، وضع صنایع نفت و گاز کشور را از نزدیک بررسی کرد. وی با اشاره به تجارب جهانی در صنعت نفت و گاز، جمع‌آوری گازهای همراه و مشعل را یک ضرورت فنی و اقتصادی دانست و تصریح کرد: با مدیریت بهینه و بهره‌گیری از دانش روز، می‌توان از هدررفت انرژی جلوگیری کرد. بهره‌وری پالایشگاه‌ها با جمع‌آوری گازهای همراه و مشعل ارتقا می‌یابد و این روند باید با شتاب بیشتری دنبال شود.

رئیس جمهوری ایجاد شبکه‌های ارتباطی و سامانه‌های مدیریتی یکپارچه در حوزه نفت و گاز را الزامی دانست و از اقدامات کنونی در زمینه رصد و پایش قدرت‌دانی کرد و افزود: با وجود پیشرفت‌های قابل‌تقدیر، همچنان ممکن است از برخی مسائل غافل باشیم، از اینرو تطبیق با استانداردهای جهانی، آموزش فناوری‌های تازه و توسعه سامانه‌های چند جانبه و مؤثر، از اولویت‌های وزارت نفت در ارتقای عملکرد مهندسان و متخصصان است.

پزشکیان با تأکید بر اینکه خلاقیت و توسعه فناوری، ابزار رقابت در بازارهای جهانی است، گفت: افق و چشم‌انداز ما در فناوری باید نامحدود باشد تا در زمینه توسعه فناوری‌ها در یک نقطه متوقف نشویم، از اینرو همسویا دستسبایی به موفقیت و پیشرفت در توسعه فناوری، ابتدا نقاط قوت و ضعف را تحلیل و بهره‌وری را در تمام ابعاد ارتقا دهیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود، اصلاح بهره‌وری، کیفیت و عملکرد را شاخص اصلی تخصیص اعتبارات و منابع برشمرد و خطاب به مسئولان تأکید کرد: اگر این‌کاست کارشناسان خود را برای بهره‌ورسانی دانش به دیگر کشورها اعزام کنید. همچنین ارتقای بهره‌وری و کارایی باید مبنای پرداخت دستمزد و کارانه باشد؛ میان نیروی کارآمد و غیر کارآمد باید تفاوت قائل شد و افرادی که خوب کار می‌کنند باید تشویق شوند.

در این بازدید، محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت و جمعی از مدیران ارشد، گزارش‌های جامعی از عملکرد حوزه انرژی ارائه دادند و رئیس جمهوری با حضور در اتاق پایش فعالیت تأسیسات نفتی، از گزارش‌های تفصیلی مدیران درباره مصرف گاز و نفت، مدیریت انرژی در دو جنگ اخیر، فرایند چرخه تولید تا مصرف، وضع مصارف بخش‌های مختلف، حجم جمع‌آوری سالانه گازهای همراه و مشعل و از داشبوردهای پروژه‌های ملی مطلع شد.

مرکز آمار اسرائیل: جنگ با ایران سرفره‌های ما را کوچک‌تر کرد

جنگی که نتانیاهو با شعار شکست ایران راه انداخت، به انقباض ۳۰۸ درصدی اقتصاد اسرائیل انجامید؛ سرفره ساکنان سرزمین‌های اشغالی را ۱۰ درصد کوچک‌تر و درآمد سرانه ۴۰۵ درصد سقوط کرد.

تازه‌ترین داده‌های رسمی از سرزمین‌های اشغالی نشان می‌دهد که ماجراجویی نظامی رژیم صهیونیستی علیه ایران، نه تنها دستاورد امنیتی برای این رژیم نداشته، بلکه اقتصاد آن را نیز با چالش جدی مواجه کرده‌است. بر اساس اعلام دفتر مرکزی آمار اسرائیل، تولید ناخالص داخلی این رژیم در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۶، نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۳۰۸ درصد کاهش یافته و این انقباض در تازه‌ترین بازوره‌ها نیز تغییری نداشته‌است. جنگی که از ۲۸ فوریه به مدت شش هفته ادامه یافت و تا اواخر آوریل با آتش‌بس‌های شکننده همراه شد، سه مؤلفه کلیدی رشد اقتصادی رژیم صهیونیستی یعنی «مخارج صرفی خصوصی»، «هزینه‌های جاری دولت» و «صادرات» را با کاهش چشمگیری مواجه کرده‌است. به عبارت دیگر، جنگ نه تنها سرفره اسرائیلی‌ها را کوچک‌تر کرد، بلکه توان صادراتی دولت نتانیاهو، از این رژیم را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داده‌است.

سقوط از آد درآمد سرانه

تلخ‌ترین بخش این گزارش، مربوط به وضعیت معیشتی شهروندان است. «سرانه تولید ناخالص داخلی» که مهم‌ترین شاخص رفاه عمومی به شمار می‌رود، در سه ماهه اول سال جاری نسبت به سه ماهه پایانی سال ۲۰۲۵، با نرخ سالانه ۴۰۵ درصد کاهش یافته‌است. این یعنی هر اسرائیلی به طور متوسط ۴۰۵ درصد از درآمد واقعی خود را در سایه این جنگ از دست داده‌است. جزئیات بیشتر نشان می‌دهد که «مخارج مصرفی خصوصی» کاهش ۴۰۷ درصدی در سه ماهه نخست سال جاری داشته‌است. «هزینه‌های عمرانی و مدنی» با کاهش ۲۶۰۸ درصدی و «خریدهای غیرنظامی دولت» با سقوط ۴۳۰۵ درصدی روپرو شده‌اند. این آمار بیانگر آن است که منابع مالی و بودجه‌ای رژیم صهیونیستی به طور کامل به سمت تجهیز نیروهای نظامی و تأمین نیازهای جنگ هدایت شده و پروژه‌های زیرساختی، خدمات عمومی و طرح‌های عمرانی به حاشیه رانده شده‌اند.



اکنون خود یکی از مهم‌ترین برهم‌زنندگان قواعد آن محسوب می‌شود. تحریم، محدودیت صادرات فناوری، توقیف دارایی‌ها، فشار بر شرکت‌ها و قطع دسترسی کشورها به شبکه‌های مالی به ابزارهای عادی سیاست خارجی واشنگتن تبدیل شده‌است. در چنین شرایطی نمی‌توان با نسخه‌های سه دهه قبل برای امنیت اقتصادی ایران تصمیم گرفت. روابط اقتصادی در جهان جدید همچنان اهمیت دارد، اما این روابط دیگر از سیاست، امنیت و مسئله دوست و دشمن جدا نیست. **امنیت و اقتصاد رابطه‌ای دسویه دارند**
اقتصاد می‌تواند امنیت ایجاد کند، اما امنیت نیز پیش شرط شکل‌گیری اقتصاد قدرتمند است. سرمایه‌گذاری، تولید، تجارت و توسعه زیرساخت‌ها در کشوری گسترش می‌یابد که از ثبات داخلی، قدرت دفاعی و توان مقابله با تهدیدهای خارجی برخوردار باشد. کشوری که توان دفاع از مسیرهای تجاری، منابع انرژی، بنادر، زیرساخت‌های حیاتی و شبکه‌های مالی خود را ندارد، نمی‌تواند فقط با ایجاد منافع اقتصادی برای دیگران امنیت خود را تضمین کند. شریک خارجی ممکن است تا زمانی به همکاری ادامه دهد که هزینه سیاسی و امنیتی آن پایین باشد. با افزایش فشار، همان رابطه اقتصادی می‌تواند متوقف شود یا به ابزاری علیه کشور ضعیف تبدیل شود. تجربه ایران در سال‌های تحریم نشان داده‌است که روابط اقتصادی بدون پشتوانه قدرت، تصمیم سیاسی و سازگاری مستقل مالی تا چه‌اندازه شکننده‌است. شرکت‌ها و دولت‌هایی که از تجارت با ایران منفعت می‌برند، با افزایش فشار آمریکا بخش بزرگی از روابط خود را متوقف کردند. بنابراین امنیت نتیجه جایگزینی قدرت نظامی با تجارت نیست. امنیت پایدار از ترکیب قدرت بازآرندگی، انسجام داخلی، توان اقتصادی و روابط خارجی متوازن به دست می‌آید. پیوندهای گسترده اقتصادی می‌توانند هزینه جنگ را افزایش



قانون روی کاغذ ماند؛

صنایع همچنان قربانی نخست ناترازی انرژی

✚ با وجود گذشت بیش از یک دهه از تصویب ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، نه صنایع از اولویت خاموشی خارج شده‌اند و نه خسارت ناشی از قطعی برق و گاز آنها جبران شده است.

با وجود آنکه قانون گذار بیش از یک دهه پیش برای حمایت از واحدهای تولیدی در زمان کمبود برق و گاز، تکالیف روشنی را بر عهده دولت گذاشت، ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار همچنان اجرایی نشده و صنایع کشور همچنان نخستین قربانی ناترازی انرژی هستند. در شرایطی که قطعی برق در تابستان و محدودیت گاز در زمستان به یکی از مهم‌ترین موانع تولید تبدیل شده، فعالان اقتصادی معتقدند بی توجهی به اجرای این ماده قانونی، خسارت‌های گسترده‌ای را به بخش صنعت تحمیل کرده و سرمایه‌گذاری و تداوم تولید را با چالش جدی روبه‌رو ساخته است. آخرین گزارش پایش ملی محیط کسب و کار و شاخص مدیران خرید (شاخص) نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. بر اساس این گزارش، کمبود برق در فصل گرم و محدودیت گاز در فصل سرد، مهم‌ترین مشکل بنگاه‌های اقتصادی عنوان شده و قطعی‌های مکرر انرژی از عوامل اصلی افت شاخص اعتماد به اقتصاد، کاهش فعالیت‌های تولیدی و افت ظرفیت بنگاه‌های صنعتی بوده است. استمرار این وضعیت علاوه بر کاهش تولید، بر اشتغال، برنامه‌ریزی بلندمدت واحدهای صنعتی و همچنین اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تأثیر منفی گذاشته و نگرانی هائسب به آینده تولید را افزایش داده است.

سه تکلیف قانونی که همچنان اجرایی‌شود

این در حالی است که ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار سه تکلیف مشخص را برای دولت و شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی تعیین کرده است. نخست آنکه در زمان کمبود برق، گاز یا خدمات مخابرات، واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی نباید در اولویت اعمال محدودیت قرار گیرند. دوم، شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی موظفند هنگام انعقاد قرارداد با واحدهای تولیدی، «وجه التزام ناشی از قطع برق یا گاز را در قراردادها پیش‌بینی کنند. همچنین اگر دولت به دلیل کمبودهای مقطعی دستور قطع انرژی واحدهای تولیدی را صادر کند، مکلف است نحوه جبران خسارت‌های ناشی از این تصمیم را نیز تعیین و اعلام کند اگر دولت به دلیل کمبودهای مقطعی دستور قطع انرژی واحدهای تولیدی را صادر کند، مکلف است نحوه جبران خسارت‌های ناشی از این تصمیم را نیز تعیین و اعلام کند. با این حال، هیچ‌یک از این سه الزام تاکنون به شکل مؤثر اجرا نشده و همین مسئله انتقاد فعالان بخش خصوصی و حتی مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت را به دنبال داشته است.

بخش خصوصی: ماده ۲۵ به قانونی متروک تبدیل شده است

احمد شاه‌شوش، رئیس کمیسیون حقوقی، حمایت‌های قضائی و مقرراتی اتاق ایران، با اشاره به مفاد این قانون می‌گوید: صدر ماده ۲۵ «به صراحت اعلام کرده که صنایع نباید در اولویت قطع برق و گاز باشند، اما در عمل نخستین محدودیت‌ها متوجه واحدهای تولیدی شده است. به گفته وی، بخش دوم این ماده نیز هیچ‌گاه اجرایی نشده و قراردادهای منعقدشده میان صنایع و شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی به صورت یک طرفه تنظیم شده‌اند و هیچ ضمانت اجرایی برای جبران خسارت ناشی از قطع انرژی در آنها وجود ندارد. وی همچنین تأکید می‌کند که بخش سوم ماده ۲۵ نیز عملاً متروک مانده است؛ زیرا هرچند قانون دولت را موظف به تعیین سازوکار جبران خسارت کرده، اما تاکنون نه دستورالعمل مشخصی تدوین شده و نه منابع مالی لازم برای اجرای این تکلیف در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی شده است.

در کنار بخش خصوصی، مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز بارها نسبت به اجرا نشدن این ماده قانونی هشدار داده‌اند. سعید شجاعی، معاون برنامه‌ریزی، هوشمندسازی و نوآوری وزیر صمت، با اشاره به ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار به مهر می‌گوید: «این ماده تصریح می‌کند که اولویت محدودیت نباید صنایع باشد و در صورت اعمال محدودیت، دولت مکلف به جبران خسارت است.» وی با بیان اینکه بیش از ۱۰ سال از تصویب این قانون می‌گذرد، افزود: «هنوز ردیف مشخصی در بودجه برای اجرای آن پیش‌بینی نشده است.»

به گفته معاون وزیر صمت، بخشی از جبران خسارت در قراردادهای دوجانبه میان تولیدکنندگان و شرکت‌های انرژی پیش‌بینی شده، اما مشکل اصلی مربوط به محدودیت‌هایی است که فراتر از مفاد قراردادها به صنایع تحمیل می‌شود. وی تصریح کرد: «هیچ قراردادی پیش‌بینی نکرده که واحد تولیدی به جای ۲۵ هزار، هشت یا نه ناه در سال با محدودیت مواجه شود. قانون این موارد را نیز مشمول جبران دانسته، اما در عمل به دلیل نبود ردیف بودجه، اجرایی نشده و ما در یک سیکل معیوب گرفتار شده‌ایم.»



جهش ۳۳۷ درصدی درآمدهای بانک گردشگری در خردادماه ۱۴۰۵

✚ گزارش عملکرد ماهانه بانک گردشگری در خردادماه ۱۴۰۵ بهبود قابل توجهی شاخص‌های عملیاتی این بانک حکایت دارد. بر اساس اطلاعات منتشرشده، درآمد عملیاتی بانک در این ماه به ۱۵ هزار و ۶۶۰ میلیارد تومان رسیده که نسبت به اردیبهشت‌ماه ۱۸۶ درصد و در مقایسه با خرداد سال گذشته ۳۳۷ درصد افزایش داشته است. همزمان با این رشد، تراز عملیاتی بانک نیز پس از چندین ماه به محدوده مثبت بازگشت و در پایان خرداد به ۷ هزار و ۶۵۵ میلیارد تومان رسید. بررسی جزئیات عملکرد بانک گردشگری نشان می‌دهد بخش عمده درآمد‌ها از محل تسهیلات اعطایی تأمین شده و درآمد‌های کارمزدی نیز سهم قابل توجهی در ترکیب درآمدی بانک داشته‌اند. همچنین مانده سپرده‌ها با رشد ۷ درصدی به ۵۷۳ هزار و ۹۱۱ میلیارد تومان و مانده تسهیلات با افزایش ۸ درصدی به ۲۷۵ هزار و ۶۶۰ میلیارد تومان رسیده است؛ روندی که از رشد همزمان منابع و مصارف بانک و تقویت ظرفیت سودآوری آن در ادامه سال ۱۴۰۵ حکایت دارد.

■ دوشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۵ ■ ۵ صفر ۱۴۴۸ ■ ۲۰ July ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۵۱۰

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور



از مکران تا رشت؛

پروژه‌ای که اقتصاد ترانزیتی ایران را متحول می‌کند

گزارش

✚ کریدور شمال-جنوب در انتظار تکمیل ۱۶۲ کیلومتریل رشت-آستارا است؛ پروژه‌ای که آینده ترانزیت ایران را رقم می‌زند.

در جغرافیای سیاسی امروز امسیر؛ یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت اقتصادی کشورها به شمار می‌رود. کافی است نگاهی به نقشه جهان ببندیم تا مشخص شود ایران در نقطه‌ای راهبردی از یکی از مهم‌ترین پروژه‌های ترانزیتی جهان، یعنی کریدور بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC)، قرار گرفته است. شاهراهی که اقیانوس هند را به روسیه و اروپا متصل می‌کند و بخش مهمی از آن از خاک ایران عبور می‌کند. عبور این کریدور از ایران تا چه اندازه می‌تواند برای اقتصاد کشور سودآور باشد و چرا با وجود ظرفیت‌های ژئوپولیتیکی، هنوز نتوانسته‌ایم از تمام مزیت‌های این مسیر بین‌المللی بهره‌برداری کنیم؟

ایران: قلب تپنده اما معطل مانده کریدور

بروی کاغذ ایران یکی از مناسب‌ترین، کوتاه‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیرهای انتقال کالایین هند، روسیه و اروپا به شمار می‌رود. مسیر سنتی از طریق کانال سوئز حدود ۴۰ تا ۴۵ روز زمان می‌برد، در حالی که حمل کالایا از مسیر کریدور شمال-جنوب و عبور از خاک ایران می‌تواند این زمان را به حدود ۲۰ روز کاهش دهد و هزینه‌های حمل‌ونقل را نیز تا حدود ۳۰ درصد پایین بیاورد. ایران در این کریدور بار ترانزیتی را از سه شاخه اصلی غربی؛ از مسیر زمینی و ریلی جمهوری آذربایجان، شرقی؛ از طریق شبکه ریلی ترکمنستان و قزاقستان و مرزهای سرخس و اینچه‌برون و میانی (دریایی)؛ حمل ترکیبی کالای بنادر جنوبی ایران به بنادر شمالی و سپس انتقال دریایی از طریق دریای خزر عبور می‌دهد. برخی برآورد‌ها نشان می‌دهد در صورت تکمیل زیرساخت‌های این کریدور و جذب حجم قابل توجهی از بار ترانزیتی منطقه، ظرفیت درآمدی چندین میلیارد دلاری برای ایران ایجاد خواهد شد. برخی از

این برآورد‌ها این رقم را تا حدود ۲۰ میلیارد دلار در سال عنوان می‌کنند؛ ظرفیتی که تحقق آن می‌تواند سهم درآمدهای ترانزیتی را در اقتصاد کشور به شکل محسوسی افزایش دهد و وابستگی متقابل اقتصادی میان کشورهای مسیرا نیز تقویت کند. اما پرسش اینجاست که چرا با وجود چنین ظرفیتی این فرصت هنوز به طور کامل محقق نشده است؟

حلقه‌های مفقوده؛ جایی که زنجیره قطع می‌شود

واقعیت این است که زیرساخت‌های حمل‌ونقل کشور هنوز با الزامات یک کریدور بین‌المللی روان و رقابت‌پذیر فاصله دارد. مهم‌ترین چالش‌های فعلی عبارت‌انداز: بیورکراسی سنگین گمرکی و فرآیندهای اداری در مرزها که سرعت جابه‌جایی کالا را به طور محسوسی کاهش می‌دهد. فرسودگی بخشی از ناوگان جاده‌ای و ریلی کشور و کمبود واگن‌های باری مناسب؛ بانایز ترانزیت بین‌المللی. ناتمام ماندن پروژه‌های کلیدی، از جمله راه‌آهن چاپ‌باز زاهدان که تنها بندر اقیانوسی ایران را به شبکه ریلی کشور متصل می‌کند و همچنین پروژه راه‌آهن رشت-آستارا که یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های کریدور شمال-جنوب به شمار می‌رود.

راه‌آهن رشت-آستارا؛ ۱۶۲ کیلومتر تا نقل‌کشایی از اقتصاد کشور

اگر از فعالان حوزه لجستیک و حمل‌ونقل درباره مهم‌ترین گلوگاه کریدور شمال-جنوب پرس و جو شود، بدون تردید یکی از پرتکرارترین پاسخ‌ها خط‌آهن رشت-آستارا خواهد بود. این پروژه حدود ۱۶۲ کیلومتری، حلقه مفقوده اتصال ریلی ایران به جمهوری آذربایجان در دو ادامه مسیر روسیه و اروپای شرقی محسوب می‌شود. در شرایط فعلی شبکه ریلی کشور در رشت‌شتر پایان می‌یابد و برای ادامه مسیر تا آستارا باید با استفاده از راه‌های مورد نیاز، سال‌ها یکی از موانع حمل‌ونقل جاده‌ای جابه‌جا شود؛ فرآیندی که به معنای تخلیه و بارگیری مجدد، افزایش هزینه، اتلاف زمان و کاهش رقابت‌پذیری مسیر ایران در برابر مسیرهای جایگزین است. تکمیل این خط‌آهن می‌تواند امکان حرکت یکپارچه قطارهای باری از بنادر جنوبی کشور تا مرز آستارا فراهم کند و بخش مهمی از مشکلات موجود در مسیر ترانزیتی شمال-جنوب را برطرف سازد.

رفع یکی از موانع اصلی: تملک اراضی

یکی از پیچیده‌ترین بخش‌های اجرای راه‌آهن رشت-آستارا، عبور مسیر از زمین‌های کشاورزی، شالیزارها و مناطق دارای ارزش اقتصادی و ارزشهای محیطی در استان گیلان بوده است. فرآیند آزادسازی مسیر و تملک اراضی مورد نیاز، سال‌ها یکی از موانع اصلی پیشرفت پروژه به شمار می‌رفت. در همین رابطه کدخدزاده معاون شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور گفته است: مهم‌ترین

چالش اجرای راه‌آهن رشت-آستارا تملک اراضی مسیر بوده است؛ چراکه بخش زیادی از زمین‌های واقع در مسیر دارای کاربری مسکونی و کشاورزی با ارزش اقتصادی بالا هستند و تملک آنها هزینه‌های سنگینی را به پروژه تحمیل کرده است. وی افزود: طی حدود ۱،۵ سال گذشته تملک اراضی مسیر ۱۶۲ کیلومتری پروژه انجام شده و بخش عمده هزینه‌های آن نیز پرداخت شده است. باقیمانده مطالبات نیز با دستور رئیس جمهور تأمین خواهد شد. در بخش‌هایی که اراضی در اختیار پروژه قرار گرفته، عملیات خاک‌ریزی و آماده‌سازی مسیر آغاز شده و پیمانکار در این نقاط مستقر شده است.

هدف‌گذاری برای تکمیل پروژه

بر اساس توافق‌های میان ایران و روسیه، هدف‌گذاری دو کشور تکمیل این پروژه و اتصال کامل مسیر ریلی ایران به شبکه ریلی جمهوری آذربایجان و روسیه تا سال ۲۰۳۰ میلادی است، یعنی حدود ۴ سال دیگر. کدخدزاده در این باره می‌گوید: طرف روسی برای مشارکت در اجرای پروژه چه در قالب فاینانس و چه مشارکت مستقیم اعلام آمادگی کرده و مذاکرات اولیه انجام شده است. وی با بیان اینکه در زمان حاضر مراحل حقوقی، قراردادی و مبادله اسناد در حال انجام است، تصریح کرد: تلاش می‌کنیم این فرآیند هرچه سریع‌تر به پایان برسد تا عملیات اجرایی پروژه آغاز شود. در صورت نهایی شدن این مراحل، ساخت راه‌آهن رشت-آستارا بین ۲۶ تا ۴۸ ماه زمان خواهد برد؛ هرچند طولانی شدن فرآیندهای حقوقی می‌تواند آغاز عملیات اجرایی را تا پایان سال به تعویق بیندازد.

به گزارش تسنیم، با بهره‌برداری از خط‌آهن رشت-آستارا، ظرفیت جابه‌جایی بار در مسیر شمال-جنوب می‌تواند به میزان قابل توجهی افزایش یابد و بر اساس برخی برآوردها، ظرفیت این محور تا حدود ۱۵ میلیون تن در سال خواهد رسید.

ایا خبر داده است؟

سواحل شمالی ایران در دریای خزر یکی از مهم‌ترین حلقه‌های ارتباطی کشورمان با روسیه و کشورهای آسیای میانه محسوب می‌شوند. بنادر شمالی کشور در صورت تکمیل زنجیره حمل‌ونقل ترکیبی، می‌توانند نقش مهمی در انتقال کالای میان جنوب آسیا، ایران، قفقاز و روسیه ایفا کنند. بررسی وضعیت بنادر شمالی نشان می‌دهد ظرفیت‌های قابل توجهی در این منطقه وجود دارد، هرچند هم‌زمان چالش‌های زیرساختی و طبیعی نیز پیش‌روی آنها قرار دارد. بندر امیرآباد یکی از مهم‌ترین بنادر شمالی ایران و بزرگ‌ترین بندر تجاری خاشیه دریای خزر در کشور به شمار می‌رود. این بندر یکی از مزیت‌های مهم خود را از اتصال مستقیم به شبکه ریلی سراسری دریافت می‌کند و برخورداری از زیرساخت‌های حمل‌ونقل ترکیبی، از جمله اسکله روربیلی که امکان انتقال مستقیم واگن‌های ریلی به شناور‌ها را فراهم می‌کند، ظرفیت ویژه‌ای دارد توسعه ترانزیت در اختیار آن قرار داده است. اسکله‌ای که البته عملیات اجرایی برای تکمیل و بهره‌برداری از آن همچنان به پایان نرسیده است.

ایران یکی از مناسب‌ترین، کوتاه‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیرها برای انتقال کالا

بین هند، روسیه و اروپا به

شمار می‌رود. مسیر سنتی

از طریق کانال سوئز حدود

۴۰ تا ۴۵ روز زمان می‌برد، در

حالی که حمل کالا از مسیر

کریدور شمال-جنوب و

عبور از خاک ایران می‌تواند

این زمان را به حدود ۲۰ روز

کاهش دهد و هزینه‌های

حمل‌ونقل را نیز تا حدود ۳۰

درصد پایین بیاورد

افزایش داد.

دو عامل اصلی ناکامی سیاست ارزی

بانک مرکزی



کنترل‌های ارزی در سال‌های اخیر که در پی اعمال تحریم‌ها و شوک موازنه پرداخت‌ها به عنوان ابزاری متعارف برای تقویت مداخلات ارزی بانک مرکزی به کار گرفته شد، نتوانسته به اهداف خود دست یابد. اساساً کنترل‌های ارزی، ابزار مداخله‌ای موقتی برای عبور از شوک و رسیدن به تعادل و ثبات در موازنه پرداخت‌های خارجی محسوب می‌شود.

در شرایط عادی، بانک مرکزی به عنوان بازارساز با استفاده از خرید و فروش ارز، نوسانات بازار را به حداقل می‌رساند، اما در شرایطی مانند اپران پس از سال ۱۳۹۷ که موازنه پرداخت‌ها با شوک مواجه شد، مداخلات متعارف کافی نبود و سیاست‌گذار از طریق کنترل مستقیم تقاضا و عرضه بازار ارز اقدام به مداخله کرد. الزام به ثبت سفارش، دریافت تخصیص ارز، ثبت منشأ ارز، ممنوعیت‌های وارداتی، خروج تقاضای اقلام اساسی از بازار، تعهد وارداتی، ممنوعیت واردات اقلام کمتر ضروری و... از جمله کنترل‌های ارزی سمت تقاضا به شمار می‌رود و در سمت عرضه نیز الزام به بازگشت ارز از نظر زمان، نوع و مقدار بازگشت ارز، مهم‌ترین مصداق کنترل ارز است.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تا نیمه نخست سال گذشته انجام داده است موفقیت استفاده از کنترل‌های ارزی، وابسته به رعایت دو شرط است نخست، موقتی دانستن کنترل‌های ارزی و تسهیل تدریجی تا حذف حداکثری آن؛ دوم، عدم کنترل قیمتی همزمان. این در حالی است که هیچ‌کدام از این موارد در حال حاضر رعایت نشده و بانک مرکزی در زمین خالف آن پیش‌رفته است. به همین دلیل، شواهد گویای شکست و ناکارایی کنترل‌های ارزی است. صرف تخصیص ۲۹ میلیارد دلاری تا ۵۱ تان ماه سال ۱۴۰۴ و به تبع آن افزایش تأمین ارز واردات از محل بازار غیر رسمی، روش‌هایی مانند ترخیص درصدی، واردات اعتباری نهاده‌های اساسی، ته‌لنجی، مولوی و گولبری، افزایش نرخ عدم بازگشت ارز و متوسط حدود ۱۷ درصد تا قبل از ۱۴۰۳ در ۴۲ درصد در سال ۱۴۰۳، و همچنین اعطای اختیارات استانی برای واردات نهاده بدون ثبت منشأ ارز، از جمله نبواهد شکست کنترل‌های ارزی عنوان می‌شود.

✚



موظف هستند از حاصل از صادرات خود مطابق مقررات و در مهلت‌های تعیین‌شده به چرخه رسمی اقتصاد بازگردانند. کارشناسان معتقدند عدم بازگشت این منابع ارزی، عرضه‌ارز در بازار را کاهش داده و می‌تواند بر تعادل بازار ارز اثر منفی بگذارد. کاهش عرضه ارز، افزایش فشار بر نرخ ارز و تشدید نوسانات قیمتی از جمله پیامدهایی است که در صورت استمرار این روند، اقتصاد کشور با آن مواجه خواهد شد.

علاوه بر بازار ارز، آثار این موضوع به سایر بخش‌های اقتصاد نیز سرایت می‌کند. محدود شدن منابع ارزی در دسترس کشور، تأمین ارز مورد نیاز برای واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز صنایع را دشوارتر می‌کند. افزایش هزینه واردات نیز به ناهیت به رشد هزینه تولید، افزایش قیمت تمام‌شده کالاها و تشدید فشارهای تورمی منجر خواهد شد. افزایش هزینه واردات در نهایت به رشد هزینه تولید، افزایش قیمت تمام‌شده کالاها و تشدید فشارهای تورمی منجر خواهد شد؛ موضوعی که می‌تواند قدرت خرید خانوارها و رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد.

از سوی دیگر، اقتصاددانان بر این باورند که توسعه صادرات زمانی می‌تواند به رشد اقتصادی و ثبات بازار ارز کمک‌کند که از حاصل از آن به موقع به چرخه اقتصادی کشور بازگردد. در غیر این صورت، افزایش حجم صادرات به تنهایی نمی‌تواند آثار مثبت مورد انتظار را بر اقتصاد بر جای بگذارد، زیرا منابع ارزی حاصل از صادرات در اختیار اقتصاد داخلی قرار نمی‌گیرد و امکان استفاده از آن برای تأمین نیازهای کشور کاهش می‌یابد. یکی دیگر از نکات قابل توجه در آمارهای منتشرشده، تمرکز